

در ستایش  
الن میک سینز وود  
(1942-2016)



نقد اقتصاد سیاسی

دی ماه 1394

الن میک‌سینز وود (1942-2012)، پژوهشگر برجسته‌ی دگراندیش، پنج‌شنبه چهاردهم ژانویه (24 دی‌ماه) پس از طی یک دوره مبارزه با بیماری سرطان درگذشت. به مناسبت درگذشت این اندیشمند برجسته ضمن نگاهی گذرا به دیدگاه‌های نظری الن میک‌سینز وود، ترجمه‌ی حسن مرتضوی از مقدمه‌ی کتاب در دست انتشار وی با عنوان «خاستگاه سرمایه‌داری از چشم‌اندازی گسترده‌تر» (2002)، و نیز مأخذشناسی آثار وی به انگلیسی و فارسی را منتشر می‌کنیم. (نقد اقتصاد سیاسی)

## حیات فکری الن میک‌سینز وود

طیف آثار الن میک‌سینز وود بسیار گسترده است، از آثار تاریخی درباب یونان باستان عهد عتیق تا آثاری درباره‌ی اندیشه‌های سیاسی مدرن، نظریه‌ی سیاسی معاصر، مارکسیسم و ساختار و تکامل سرمایه‌داری مدرن.<sup>1</sup> نخستین کتاب وی با عنوان «ذهن و سیاست: رویکردی به معنای فردگرایی لیبرالی و سوسیالیستی» در 1972 منتشر شد. در سال 1978 به همراه همسرش نیل وود (که در سال 2003 درگذشت) کتاب «ایدئولوژی طبقاتی و نظریه‌ی سیاسی کهن: سقراط، افلاطون و ارسطو در بستر اجتماعی» را منتشر کرد. الن میک‌سینز وود از 1984 عضو تحریریه‌ی نشریه‌ی «نیولفت ریویو» بود و این همکاری تا 1997 ادامه داشت. در سال 1986 کتاب مهم الن با «عنوان عقب‌نشینی از طبقه: یک سوسیالیسم "حقیقی" جدید» منتشر شد. این کتاب که نقدی بر چپ‌های نوظهور پسامدرن و یکی از نخستین و نافذترین آثار در این زمینه است برنده‌ی جایزه‌ی یادمان آیزاک دویچر شد.

وود در کتاب «دهقان - شهروند و برده: بنیادهای دموکراسی آتن» (1997) به نقد دیدگاه‌های جفری ارنست موریس دو سنت کرواکس G. M. De Croix، یکی از برجسته‌ترین تاریخ‌نگاران مارکسیست دوران باستان، دست زد. دو سنت کرواکس در کتاب مبارزه‌ی طبقاتی در دنیای یونان کهن گفته بود که منبع اصلی مازاد در یونان و روم کار بردگان بوده است. وود در مقابل استدلال کرد که در عین حال که اهمیت کار بردگان در ایجاد مازاد را نمی‌توان نادیده گرفت اما در این مورد نباید اغراق کرد.

سال‌های 1997 تا 2000 یکی از مهم‌ترین دوره‌های تأثیرگذاری الن میک‌سینز وود در سپهر اجتماعی چپ بود. وی در این سال‌ها با حضور در هیئت تحریریه‌ی مانتلی ریویو در دورانی که شاهد عقب‌نشینی روشنفکران چپ و چیرگی دیدگاه‌های پسامدرن در میان اغلب آنان بود یکی از مهم‌ترین دوره‌های فعالیت «مانتلی ریویو» را رقم زد. از جمله، در این دوره شاهد انتشار سه ویژه‌نامه‌ی مهم این نشریه بودیم. نخستین آن «در دفاع از تاریخ: مارکسیسم و دستورکار پسامدرن» (1997) (که همراه با جان بلامی فاستر سردبیری آن را برعهده داشت)، دومین ویژه‌نامه «سرمایه‌داری و عصر اطلاعات: اقتصاد سیاسی انقلاب ارتباطی جهانی (1998)» بود که وی به همراه رابرت مک‌چسنی و جان بلامی فاستر آن را منتشر

<sup>1</sup> در نگارش این بخش از مقاله‌ی [Remembering Ellen Meiksins Wood](#) و [Ellen Meiksins Wood \(1942-2016\)](#) استفاده شده است.

کرد. سومین کتابی که وی سردبیری آن را برای مانتلی ریویو عهده‌دار بود «برخاسته از خاکستر؟ کارگر در عصر سرمایه‌داری "جهانی"» (1998) بود.

به موازات آن در دهه‌ی 1990 شاهد انتشار چند کتاب دیگر از الن بودیم، به ترتیب «دموکراسی علیه سرمایه‌داری: تجدیدحیات ماتریالیسم تاریخی» (1995)، «دهقان - شهروند و برده: بنیادهای دموکراسی آنتی» (1997)، و نخستین ویرایش «خاستگاه سرمایه‌داری» (1999) بود.

جدال نظری مهم الن میک‌سینز وود با رابرت برنر، دوست و همفکر سیاسی خودش، بر سر خاستگاه‌های سرمایه‌داری مدرن بود. پیشینه‌ی این مباحثه شاید به مباحثات موریس داب - پل سوییزی در نیمه‌ی قرن بیستم بازمی‌گردد که در دهه‌های بعد دیگران، مانند امانوئل والرشتاین و رابرت برنر، آن را دنبال کردند.

الن میک‌سینز وود در عین حال که در مورد خاستگاه‌های سرمایه‌داری در انگلستان متأثر از دیدگاه برنر بود، تأکید داشت که رشد سرمایه‌داری در کشورهای نظیر هلند و بلژیک و ساحل غربی اروپای درون قاره را نمی‌توان با ساختار نظری برنر تبیین کرد. نقد الن بر رابرت برنر یکی از مهم‌ترین انتقادات بر دیدگاه برنر است.

الن میک‌سینز وود سرمایه‌داری را مجموعه‌ی خاصی از روابط اجتماعی مالکیتی می‌داند که در عصر مدرن منحصربه‌فرد است و تمامی کنش‌گران عرصه‌ی اقتصاد را به بازار وابسته می‌کند، در حالی که در تمامی ادوار قبل جهت‌گیری تولید به سوی تأمین معیشت بود، سرمایه‌داری نخستین نظام اقتصادی بود که تمامی تولیدکنندگان را ناگزیر از فروش در بازار و بدین ترتیب رقابت برای بقا ساخت.

وود بر مبنای دستگاه تحلیلی برنر استدلال می‌کرد که سرمایه‌داری نخستین نظام اقتصادی است که در آن بازار نقش کانونی دارد. و از این رو اگرچه چند هزار سال از زمان شکل‌گیری نهاد بازار می‌گذرد، در دوران سرمایه‌داری است که این نهاد تنظیم‌کننده‌ی تولید و مبادله است و از این رو تقسیم اجتماعی کار را پدید می‌آورد. وود تأکید داشت که این تحول به صورت «طبیعی» رخ نداده است. این گرایش در بطن بازارها نیست که به نقطه‌ای رشد کنند که جایگزین اشکال تولید پیشاسرمایه‌داری بشوند، بلکه با بیرون راندن قهری دهقانان از زمین‌هایشان این امر ممکن می‌شود. الن به طور خاص تأکید می‌کرد که پیشینه‌سازی سود چیزی است که به‌مثابه وسیله‌ی بقا بر تولیدکنندگان تحمیل می‌شود. بنگاه‌ها به علت طمع‌ورزی نیست که سود را به حداکثر می‌رسانند، بلکه به دلیل آن است که اگر این کار را نکنند از بازار بیرون رانده می‌شوند. بنابراین بازار اجرای شادمانه‌ی روح نوآوری صاحبان کسب‌وکار نیست، بلکه نهادی به‌غایت سرکوبگر است که نه تنها بر کارگران، که بر سرمایه‌داران نیز سلطه دارد.

پی‌آمد سیاسی این دیدگاه روشن است: مادامی که تولید بر رقابت بازاری مبتنی باشد، تضاد لاینحل بین کارگران و کارفرمایان را نمی‌توان از میان برداشت. زیرا مادامی که کارفرمایان ناگزیرند از طریق پیروزی در نبرد رقابت برنده شوند، باید بی‌رحمانه هزینه‌هایشان را به حداقل برسانند. معنایش این است که باید دائماً دستمزدها و مزایای کارگران را به‌مثابه بخشی از استراتژی بقای خود کاهش دهند. نتیجه‌گیری وود این است که مادام که مناسبات سرمایه‌دارانه حاکم است، مبارزه‌ی طبقاتی نیز محور اصلی نزاع خواهد بود.

الن در واپسین سالهای زندگی‌اش از زاویه‌ای نو به بررسی تحول اندیشه‌ی سیاسی از عهد باستان تا دوران مدرن مبادرت کرد. وی تلاش کرد متفکران مهم هر دوره را در بستر اجتماعی و به طور خاص طبقاتی‌شان بررسی کند. بدین ترتیب ایدئولوژی‌های سیاسی هر دوران را در بطن ساختار طبقاتی بنیادی آن دوران بررسی کرد. وی در کتاب از شهروندان تا لردها: تاریخ اجتماعی تفکر سیاسی غرب از عهد عتیق تا سده‌های میانه (2008) به بررسی این امر طی دوران باستان تا پایان سده‌های میانه پرداخت. کتاب «آزادی و مالکیت: تاریخ اجتماعی تفکر سیاسی غرب از رنسانس تا روشنگری» (2012) در حقیقت دومین مجلد این مجموعه است. سومین مجلد این مجموعه قرار بود به بررسی تاریخ اندیشه‌ی سیاسی از روشنگری تا قرن حاضر پردازد که متأسفانه بیماری و مرگ مجال تکمیل آن را برای الن میک‌سینز وود فراهم نکرد. الن میک‌سینز وود، برای ما تصویری از یک روشنفکر متعهد و ژرف‌نگر است که هیچ‌گاه تسلیم مدهای فکری زمانه نشد. او از میان رفت اما آثارش باقی است و چشم‌اندازهای نوینی برای تفکر دگراندیش در عرصه‌ی مطالعه و مبارزه می‌گشاید.

## مقدمه بر کتاب خاستگاه سرمایه‌داری: از چشم‌اندازی گسترده‌تر / الن میک‌سینز وود / ترجمه

### حسن مرتضوی

به نظر می‌رسد که «فروپاشی کمونیسم» در اواخر دهه‌ی 1980 و اوایل دهه‌ی 1990، در تأیید اعتقاد دیرینه‌ی بسیاری افراد باشد که سرمایه‌داری شرط طبیعی زندگی انسان‌هاست و با قوانین طبیعت و تمایلات پایه‌ای انسان منطبق است و هر انحرافی از این قوانین و تمایلات طبیعی تنها می‌تواند به فلاکت و بدبختی بیانجامد.

البته امروزه دلایل زیادی وجود دارد که ظفرمندی سرمایه‌داری در پی این فروپاشی را زیر سؤال ببریم. در زمان نوشتن این مقدمه برای ویراست نخست کتاب حاضر، جهان هنوز از بحران {مالی جنوب شرقی} آسیا تلوتلو می‌خورد. امروزه، صفحات بخش مالی روزنامه‌ها مضطربانه سرشار از علائم رکود در ایالات متحد و بازکشف چرخه‌های قدیمی سرمایه‌داری هستند که پیش‌تر به ما اطمینان می‌دادند مربوط به گذشته است. دوره‌ی بین این دو ماجرا با رشته‌هایی از تظاهرات چشمگیر مردمی که با افتخار خود را «ضدسرمایه‌داری» می‌دانند، در بخش‌های گوناگون جهان نقطه‌گذاری شده است؛ و به نظر می‌رسد در حالی که بسیاری از شرکت‌کنندگان در این رشته تظاهرات‌ها که می‌خواهند معایب «جهانی‌شدن» یا «نولیبرالیسم» را از ماهیت ذاتی و تقلیل‌ناپذیر خود سرمایه‌داری بزدایند، درباره‌ی تعارض نیازهای مردم و مقتضیات سودخواهی که در همه چیز از شکاف فزاینده بین غنی و فقیر تا تخریب روزافزون محیط زیست بارز است، آگاهی دارند. در گذشته، سرمایه‌داری همواره خود را از بحران‌های تکرارشونده‌اش بیرون کشیده است، اما همیشه بنیادی را برای بحرانی جدید و حتی بدتر پی می‌ریخت. هر وسیله‌ای یافت می‌شد تا خسارت‌ها را محدود یا تصحیح کنند، چنان‌که میلیون‌ها نفر اغلب هم از درمان رنج برده‌اند هم از بیماری.

ضعف‌ها و تناقض‌های بیش‌ازپیش آشکار نظام سرمایه‌داری می‌تواند سرانجام حتی برخی از مدافعان غیرانتقادی‌تر آن را قانع کند که لازم است بدیلی یافت. اما این اعتقاد که بدیلی وجود ندارد و نمی‌تواند وجود داشته باشد، به‌ویژه در فرهنگ غربی عمیقاً ریشه دوانده است. از این اعتقاد نه تنها با اظهارات بی‌پرده‌ی ایدئولوژی سرمایه‌داری جانبداری می‌شود، بلکه برخی از گرامی‌ترین و انکارناپذیرترین باورهای ما درباره‌ی تاریخ — نه فقط تاریخ سرمایه‌داری بلکه تاریخ به‌طور عام — در تأیید این اعتقاد است. گویی سرمایه‌داری همیشه مقصد حرکت تاریخی بوده است، و علاوه بر آن خود حرکت تاریخ را از آغاز «قانون حرکت» سرمایه‌داری پیش رانده است.

### مصادره به مطلوب کردن

سرمایه‌داری نظامی است که در آن کالاها و خدمات، تا پایه‌ای‌ترین مایحتاجات زندگی، برای مبادله‌ی سودآور تولید می‌شوند، این در حالی است که حتی نیروی کار انسان کالایی برای فروش در بازار است، و تمامی بازیگران اقتصادی به بازار وابسته‌اند. این موضوع نه تنها درباره‌ی کارگران که باید نیروی کار خود را برای مزد بفروشند، بلکه همچنین درباره‌ی سرمایه‌دارها که برای خرید وسایل مورد نیاز خود از جمله نیروی کار و فروش محصولات خود برای کسب سود به بازار وابسته است، صدق می‌کند. سرمایه‌داری از هر نوع صورت‌بندی دیگر اجتماعی متفاوت است، زیرا تولیدکنندگان

برای دسترسی به وسایل تولید به بازار وابسته‌اند (برخلاف مثلاً دهقانان که به صورت مستقیم و بدون توسل به بازار زمین را در تملک خود دارند)؛ این در حالی است که مالکان نمی‌توانند برای تملک به نیروهای «فرااقتصادی» از طریق قهر مستقیم تکیه کنند — مانند نیروهای نظامی، سیاسی و قضایی که اربابان فئودالی را قادر می‌ساخت کار اضافی را از دهقانان استخراج کنند — بلکه باید به سازوکارهای صرفاً «اقتصادی» بازار وابسته باشند. این نظام متمایز وابستگی به بازار به معنای آن است که مقتضیات ناشی از رقابت و بیشینه‌سازی سود، قواعد بنیادی زندگی هستند. به دلیل این قواعد، سرمایه‌داری نظامی است یگانه که با وسایل فنی بهره‌وری کار را بهبود می‌بخشد. بیش از هر چیز، این نظامی است که در آن بخش اعظم کار جامعه توسط کارگران بی‌چیز انجام می‌شود که ناگزیرند نیروی کار خویش را به ازای مزدی بفروشند تا به وسایل زندگی و خود کار دسترسی داشته باشند. کارگران در فرایند تأمین نیازها و خواست‌های جامعه، هم‌زمان و به نحو جدایی‌ناپذیری برای کسانی که نیروی کارشان را می‌خرند سود می‌آفرینند. در واقع، تولید اجناس و خدمات تابعی از تولید سرمایه و سود سرمایه‌داری است. به کلام دیگر، هدف اصلی نظام سرمایه‌داری تولید و خودگستری سرمایه است.

این شیوه‌ی متمایز تأمین نیازهای مادی انسان‌ها که با تمام شیوه‌های پیشین سازماندهی زندگی مادی و بازتولید اجتماعی بسیار متفاوت است، برای مدت کوتاهی، به زحمت کسری از زندگی انسان روی کره زمین، وجود داشته است. حتی آنانی که با بیشترین تأکید اصرار می‌ورزند که ریشه‌های این نظام در ماهیت انسان و تداوم طبیعی آن در اعمال دیرینه‌ی انسان است، مدعی نیستند که این نظام به واقع پیش از اوایل عصر جدید، و در آن زمان فقط در اروپای غربی، وجود داشته است. آنان شاید خرده‌هایی از آن را در دوره‌های پیشین ببینند یا آغازگاه‌های آن را در سده‌های میانه به منزله‌ی تهدیدی عمده برای فئودالیسم در حال زوال ردیابی کنند، اما هنوز این نظام با محدودیت‌های فئودالی در قیدوبند بود، یا حتی می‌تواند بگویند که این نظام با گسترش تجارت یا سفرهای اکتشافی — مثلاً با اکتشافات کریستف کلمب در اواخر سده‌ی پانزدهم — آغاز شد. شاید عده‌ای این‌ها را شکل‌های اولیه «الگوی نخستین سرمایه‌داری» بنامند، اما عده‌ی خیلی خواهند گفت که نظام سرمایه‌داری به طور جدی پیش از سده‌ی شانزدهم یا هفدهم وجود داشت، و برخی این زمان را دیرتر در سده‌ی هجدهم، یا شاید حتی سده‌ی نوزدهم که به شکل صنعتی‌اش بالید، قرار دهند.

اما تناقض این است که شرح‌های تاریخی از اینکه چه‌گونه این نظام به وجود آمد، نوعاً به آن چون تحقق طبیعی گرایش‌های همیشه حاضر پرداخته‌اند. چون مورخان ابتدا شروع به توضیح ظهور سرمایه‌داری کردند، به زحمت توضیحی وجود دارد که با فرض وجود چیزی که تازه باید توضیح داده شود، شروع نکرده باشد. تقریباً بدون استثنا، شرح‌های مربوط به خاستگاه سرمایه‌داری بنیاداً دَورانی بوده است: آن‌ها وجود پیشین سرمایه‌داری را می‌پذیرند تا تکوین آن را توضیح دهند. برای توضیح رانش متمایز سرمایه‌داری به بیشینه‌سازی سود، وجود عقلانیتی کلی را پیش فرض قرار داده‌اند که سود را بیشینه می‌کند. همچنین برای توضیح رانش سرمایه‌داری به بهبود بهره‌وری کار توسط وسایل فنی، پیشرفتی مداوم و تقریباً طبیعی بهبود فناوری‌های بهره‌وری کار را پیش فرض قرار داده‌اند.

خاستگاه‌های این توضیحات که مصادره به مطلوب هستند، در مفاهیم اقتصاد سیاسی کلاسیک و روشنگری نهفته است. اقتصاد سیاسی کلاسیک و روشنگری با هم شرحی از توسعه‌ی تاریخی می‌دهند که در آن ظهور و رشد سرمایه‌داری تا

بالیدگی‌اش در قدیمی‌ترین نمودهای عقلانیت، در پیشرفت‌های فناورانه‌ای که با هومو ساپین‌هایی شروع شد که نخستین بار ابزاری را به کار بردند، و در کنش‌های مبادله‌ای که انسان‌ها از عهد عتیق تاکنون داشتند، از پیش در نظر گرفته شده است. سفر تاریخ به این مقصد نهایی، به «جامعه‌ی تجاری» یا سرمایه‌داری، بی‌گمان پرمشقت و طولانی بوده و موانع بسیاری در مقابل آن وجود داشته است. اما با این همه، پیشرفت‌ش طبیعی و ناگزیر بوده است. آن‌گاه چیزی بیش از این لازم نیست که برای توضیح «ظهور سرمایه‌داری» به شرحی متوسل شویم که چه‌گونه این موانع فراوان در مقابل حرکت روبه‌پیش سرمایه‌داری، گاهی تدریجی، گاهی ناگهانی با خشونت‌ی انقلابی، از سر راه برداشته می‌شوند.

در بسیاری شرح‌ها از سرمایه‌داری و خاستگاه آن، به واقع هیچ خاستگاهی در میان نیست. به‌نظر می‌رسد که سرمایه‌داری همیشه جایی بوده است و تنها کافی است که از زنجیرهایش — مثلاً از قیدوبندهای فئودالیسم — رها شود تا بتواند رشد کند و بیابد. این قیدوبندها نوعاً سیاسی‌اند: قدرت‌های انگلی ارباب‌سالاری، یا محدودیت‌های برآمده از دولتی خودکامه. گاهی این قیدوبندها فرهنگی یا ایدئولوژیکی‌اند: شاید دینی نامطلوب. این قیدوبندها حرکت آزادانه‌ی بازیگران «اقتصادی»، جلوه‌ی آزادانه‌ی عقلانیت اقتصادی، را محدود می‌کند. «اقتصادی» در این فرمول‌بندی‌ها با مبادله یا بازارها همانند پنداشته می‌شود؛ و در این‌جاست که می‌توانیم این فرض را ردیابی کنیم که نطفه‌های سرمایه‌داری در بدوی‌ترین کنش‌های مبادله، در هر شکلی از دادوستد یا فعالیت بازار گنجانده شده است. این فرض نوعاً با سایر پیش‌فرض‌ها پیوند دارد: اینکه تاریخ یک فرایند تقریباً طبیعی توسعه‌ی فناوری بوده است. سرمایه‌داری به راه‌های متفاوتی، کمابیش به‌طور طبیعی، در مکان و زمانی ظاهر می‌شود که بازارهای گسترش‌یابنده و توسعه‌ی فناوری به سطح درستی رسیده باشد، سطحی که امکان می‌دهد ثروت مکفی انباشت شود و در نتیجه بتواند به‌نحو سودآوری از نو انباشت شود. بسیاری از توضیحات مارکسیستی از بنیاد همین هستند، با این افزوده که انقلاب‌های بورژوازی کمک کرد این قیدوبندها گسسته شوند.

مضمون این توضیحات، تأکید بر تداوم بین جوامع غیرسرمایه‌داری و سرمایه‌داری، و انکار یا کتمان خاص‌بودگی سرمایه‌داری است. مبادله کمابیش همیشه وجود داشته است، و به نظر می‌رسد که بازار سرمایه‌داری نیز به همین منوال است. در این نوع استدلال، چون نیاز خاص و یگانه‌ی سرمایه‌داری به زیرورو کردن پیوسته‌ی نیروهای تولید فقط گسترش و شتاب‌دادن به گرایش‌های جهان‌شمول و فراتاریخی و تقریباً طبیعی است، صنعتی‌شدن پیامد اجتناب‌ناپذیر بنیادی‌ترین تمایلات انسان‌هاست. پس تبار سرمایه‌داری به‌طور طبیعی از کهن‌ترین تاجر بابل، از طریق بورگر سده‌ی میانه به بورژوازی اوایل عصر جدید و سرانجام به سرمایه‌دار صنعتی می‌رسد. [1]

منطق مشابهی در برخی روایت‌های مارکسیستی از این داستان وجود دارد، هر چند این روایت در گونه‌های جدیدتر خود از شهر به روستا تغییرمکان می‌دهد، و تولیدکنندگان کالایی روستایی، مزرعه‌داران خرد یا «میانی» که منتظر فرصت‌اند تا به سرمایه‌دارانی کاملاً بالیده شکوفا شوند، جایگزین تجار می‌شوند. در این نوع روایت، تولید خرد کالایی، رهاسده از بندهای فئودالیسم، کمابیش به‌طور طبیعی به سرمایه‌داری تبدیل می‌شود، و تولیدکنندگان خرد کالایی، با داشتن فرصت و اقبال، راه سرمایه‌داری را پیش می‌گیرند.

فرصیات معینی، تلویحی یا صریح، درباره‌ی ماهیت انسان و درباره‌ی رفتار انسان‌ها، در صورت داشتن فرصت و اقبال، محور اصلی شرح‌های متداول از تاریخ هستند. داستان چنین ادامه می‌یابد که انسان‌ها همیشه از فرصت بیشینه‌سازی سود از طریق اعمال مبادله استفاده می‌کنند، و برای تحقق آن تمایل طبیعی، همیشه راه‌هایی را برای بهبود سازمان و وسایل کار به قصد ارتقای بهره‌وری کار می‌یابند.

### فرصت یا الزام؟

بنابراین، در مدل کلاسیک، سرمایه‌داری یک فرصت است که باید از آن هر جا و هر وقت که ممکن باشد استفاده کرد. این مفهوم از فرصت کاملاً در فهم متعارف از نظام سرمایه‌داری تعیین‌کننده است، و حتی در زبان روزمره‌ی ما نیز حضور دارد. مثلاً کاربرد متداول واژه‌ی «بازار» را که در قلب سرمایه‌داری قرار دارد، در نظر بگیرید. تقریباً هر تعریفی از بازار در فرهنگ لغت متضمن فرصت است: بازار، محل یا نهاد انضمامی، جایی است که فرصت‌ها برای خرید و فروش وجود دارد: بازار به عنوان امری انتزاعی حاکی از امکان فروش است. اجناس «بازاری را می‌یابند»، و ما می‌گوییم که هنگامی که تقاضایی برای خدمات و کالایی وجود دارد، بازاری برای آنها وجود دارد که به معنای آن است که می‌تواند فروخته شود و فروخته خواهد شد. بازارها به روی همه‌ی کسانی «گشوده» است که می‌خواهند بفروشند. بازار بیانگر «شرایط و فرصتی است برای خرید و فروش» (فرهنگ فشرده‌ی آکسفورد). بازار حاکی از عرضه و انتخاب است.

آن‌گاه نیروهای بازار چیست؟ آیا نیرو حاکی از اعمال اجبار نیست؟ در ایدئولوژی سرمایه‌داری، بازار نه حاکی از اجبار بلکه آزادی است. در همان حال، این آزادی را سازوکارهای معینی تضمین می‌کنند که «اقتصادی عقلانی» را فراهم می‌آورند، اقتصادی که در آن عرضه تقاضا را برآورده، و کالاها و خدماتی را ارائه می‌کند که مردم آزادانه انتخاب می‌کنند. این سازوکارها «نیروهای» غیرشخصی بازار هستند، و اگر به طریقی اجباری باشند، فقط به این معناست که بازیگران اقتصادی را مجبور می‌کنند تا چنان «عاقلاً» رفتار کنند که انتخاب و فرصت بیشینه شود. این حاکمیت که سرمایه‌داری، «جامعه‌ی بازار» نهایی، شرط بهینه‌ی فرصت و انتخاب است. اجناس و خدمات بیشتری در دسترس هستند و افراد بیشتری برای خرید و سودبردن از آنها و افراد بیشتری برای انتخاب از میان آنها و خریدشان آزاد هستند.

پس این برداشت چه مشکلی دارد؟ احتمالاً یک سوسیالیست خواهد گفت که جزء اصلی مفقوده همانا کالایی‌شدن نیروی کار و استثمار طبقاتی است. تا این‌جا که همه چیز خوب پیش رفته. اما آنچه همیشه می‌تواند چنین روشن نباشد، حتی در شرح‌های سوسیالیستی از بازار، این است که خصوصیت متمایز و مسلط بازار سرمایه‌داری فرصت یا انتخاب نیست بلکه برعکس اجبار است. زندگی مادی و بازتولید اجتماعی در سرمایه‌داری به‌طور کلی به وساطت بازار انجام می‌شود، در نتیجه تمامی افراد باید به طریقی وارد مناسبات بازار شوند تا به وسایل زندگی دسترسی داشته باشند. این نظام یگانه‌ی وابستگی به بازار به این معناست که فرمان‌های بازار سرمایه‌داری — ضرورت‌های رقابت، انباشت، بیشینه‌سازی سود، و افزایش بهره‌وری تولید — نه تنها تمامی معاملات اقتصادی بلکه مناسبات اجتماعی را به‌طور کلی تنظیم می‌کنند.



هنگامی که واسطه‌ی مناسبات میان انسان‌ها فرایند مبادله‌ی کالایی است، مناسبات اجتماعی میان افراد همچون مناسبات میان چیزها به نظر می‌رسد: «سرشت بتواره‌ای کالاها» بنا به عبارت معروف مارکس.

برخی از خوانندگان احتمالاً در اینجا اعتراض می‌کنند که این چیزی است که هر سوسیالیستی، یا دست کم هر مارکسیستی، می‌داند. اما چنان که در ادامه خواهیم دید، ویژگی‌های سرمایه‌داری مانند عملکرد بازار سرمایه‌داری که یک الزام است و نه یک فرصت، حتی در تاریخ‌های مارکسیستی از سرمایه‌داری مفقود است. هنگامی که گذار از جوامع پیشا سرمایه‌داری به جوامع سرمایه‌داری همچون گسترش یا بالیدگی کمابیش طبیعی، هر چند تحت الشعاع شکل‌های اجتماعی موجود، و در بهترین حالت یک دگرگونی کمی و نه کیفی، ارائه می‌شود، آن‌گاه بازار سرمایه‌داری به عنوان یک شکل اجتماعی خاص مفقود می‌شود.

این کتاب درباره‌ی خاستگاه سرمایه‌داری و مجادلاتی است که این خاستگاه هم از لحاظ تاریخی و هم نظری برانگیخته است. پاره‌ی اول مهم‌ترین شرح‌های تاریخی و مباحثات پیرامون آن‌ها را بررسی می‌کند. به‌طور خاص، به عام‌ترین مدل توسعه‌ی سرمایه‌داری، به اصطلاح «مدل تجاری‌شدن» در انواع گونه‌های آن، و همچنین به برخی از چالش‌های عمده در مقابل آن خواهد پرداخت. پاره‌های دوم و سوم طرح تاریخی جایگزینی را ارائه می‌کنند که بر بحث‌های پاره‌ی اول و به ویژه بر تاریخ‌هایی متکی است که اصول متعارف حاکم را به مصاف طلبیده‌اند، با این امید که در آن از برخی از عام‌ترین چاله‌های تبیین‌های مرسوم که مصادره به مطلوب می‌کنند پرهیز کرده باشم. این ویراست جدید، تجدیدنظرشده و گسترش‌یافته شامل بخش‌ها و فصل‌های جدیدی است که در آن استدلال‌هایی پرورانده شده که در ویراست اول فقط اشاره‌ای به آن‌ها شده بود، به ویژه درباره‌ی تجارت غیرسرمایه‌داری، خاستگاه امپریالیسم و رابطه بین سرمایه‌داری و دولت - ملت.

من یک زیرعنوان به عنوان اصلی اضافه کردم که امیدوارم نه تنها این واقعیت ساده را منتقل کند که این ویراست جدید به نحو چشمگیری مفصل‌تر از ویراست پیشین است، بلکه همچنین دیدگاهی را مفروض قرار داده‌ام که شاید بتواند «دیدگاه فراخ‌تر» از سرمایه‌داری و پیامدهایش تلقی شود. نخستین هدفم به مصاف کشیدن طبیعی بودن سرمایه‌داری و برجسته کردن شیوه‌های خاصی است که در آن سرمایه‌داری یک شکل اجتماعی خاص از لحاظ تاریخی و یک گسست تاریخی از شکل‌های قدیمی‌تر است. اما هدف از این اثر عملاً هم دانش‌پژوهانه است و هم سیاسی. طبیعی کردن سرمایه‌داری که منکر خاص بودگی و فرایندهای طولانی و دردناک تاریخی است که آن را به وجود آورد، درک ما را از گذشته محدود می‌کند. در همان حال امیدها و انتظارات ما را برای آینده محدود می‌کند، زیرا در این صورت سرمایه‌داری اوج طبیعی تاریخ محسوب می‌شود و بنابراین غلبه بر آن تصورناپذیر خواهد بود. شاید مسئله‌ی خاستگاه سرمایه‌داری اسرارآمیز به نظر برسد، اما قلب فرض‌هایی را نشانه می‌رود که عمیقاً در فرهنگ ما ریشه دوانده است، توهمات گسترده و خطرناکی درباره به اصطلاح بازار «آزاد» و امتیازات آن برای انسان‌ها، سازگاری‌اش با دمکراسی، عدالت اجتماعی و پایداری زیست‌محیطی. اندیشیدن به بدیل‌های آینده در برابر سرمایه‌داری متضمن آن است که به برداشت‌های بدیل گذشته‌ی آن بیاندیشیم.



## کتاب‌شناسی الن میک‌سینز وود

- *Mind and Politics: An Approach to the Meaning of Liberal and Socialist Individualism* (University of California Press, 1972).
- *The Retreat from Class: A New 'True' Socialism* (Schocken Books, 1986). [ISBN 0-8052-7280-1](#), and (Verso Classics, January 1999) reprint with new introduction. [ISBN 1-85984-270-4](#).
- *The Pristine Culture of Capitalism* (Verso, 1992). [ISBN 0-86091-572-7](#).
- *Democracy Against Capitalism: Renewing Historical Materialism* (Cambridge University Press, 1995). [ISBN 0-521-47682-8](#).

به فارسی: دموکراسی علیه سرمایه‌داری: تجدید حیات ماتریالیسم تاریخی، ترجمه‌ی حسن مرتضوی، تهران، نشر بازتاب‌نگار (6138)

- *Peasant-Citizen and Slave: The Foundations of Athenian Democracy* (Verso, February 20, 1997). [ISBN 0-86091-911-0](#).
- *The Origin of Capitalism* (Monthly Review Press, 1999), 120 pp. [ISBN 1-58367-000-9](#), [ISBN 1-58367-007-6](#). Revised edition: *The Origin of Capitalism: A Longer View* (Verso Books, 2002), 213 pp. [ISBN 1-85984-392-1](#), [ISBN 978-1-85984-392-5](#).

به فارسی: خاستگاه سرمایه‌داری: از چشم‌اندازی گسترده‌تر / الن میک‌سینز وود / ترجمه حسن مرتضوی (در دست انتشار)

- *Empire of Capital*, (Verso, 2003) ([ISBN 978-1-85984-502-8](#)) & paperback (Verso, 2005). [ISBN 1-84467-518-1](#).

به فارسی: امپراتوری سرمایه، ترجمه حسن مرتضوی، نشر نیکا (1388)

- *Citizens to Lords: A Social History of Western Political Thought from Antiquity to the Middle Ages* (Verso, 2008). [ISBN 978-1-84467-243-1](#).
- *Liberty & Property: A Social History of Western Political Thought from Renaissance to Enlightenment* (Verso, 2012). [ISBN 978-1-84467-752-8](#).

آثار مشترک با نیل وود

- *Class Ideology and Ancient Political Theory: Socrates, Plato, and Aristotle in Social Context* (Oxford University Press, 1978).
- *A Trumpet of Sedition: Political Theory and the Rise of Capitalism, 1509-1688* (New York University Press, 1997).

آثاری که الن میک‌سینز وود به طور مشترک ویراستاری کرده است

- *In Defense of History: Marxism and the Postmodern Agenda*, ed. with John Bellamy Foster (Monthly Review Press, 1997).

بخش عمده‌ی این کتاب که ابتدا به صورت ویژه‌نامه‌ی مانتری ریویو منتشر شده بود در کتاب خسرو پارسا (ویراستار)، پسامدرنیسم در بوته‌ی نقد، نشر آگه (چاپ پنجم، 1394) منتشر شده است.

- *Capitalism and the Information Age: The Political Economy of the Global Communication Revolution*, ed. with [Robert W. McChesney](#) and [John Bellamy Foster](#) (Monthly Review Press, 1998).  
بخش عمده‌ی این کتاب که ابتدا به صورت ویژه‌نامه‌ی مانتلی ریویو منتشر شده بود در کتاب خسرو پارسا (ویراستار)، سرمایه‌داری و عصر اطلاعات، نشر آگه (چاپ پنجم، 1394) منتشر شده است.
- *Rising from the Ashes? Labor in the Age of "Global" Capitalism*, ed. with [Peter Meiksins](#) and [Michael Yates](#) (Monthly Review Press, 1998).

## برخی مقالات الن میک‌سینز وود به زبان فارسی

[دستور کار پسامدرنیسم](#)، ترجمه پرویز صداقت

[دوگانگی جامعه‌ی مدنی](#)، ترجمه پرویز صداقت

[ریشه‌های تاریخی جامعه‌ی مدنی](#)، ترجمه پرویز صداقت

مدرنیته، پسامدرنیته، یا سرمایه‌داری، ترجمه پرویز صداقت، نشریه‌ی علمی معماری و شهرسازی، مهرماه 1376

دموکراسی سرمایه‌داری و تغییر نسل‌ها، ترجمه پرویز صداقت، ماهنامه فصل سبز، شماره 1، تهران، مهرماه 1378

ای.پی. تامپسون: مورخ سوسیالیست، ترجمه بابک پاکزاد، ماهنامه فصل سبز، شماره 3 و 4، تهران، بهمن و اسفند 1378

[امپراتوری در عصر سرمایه](#): گفت‌وگو با الن میک‌سینز وود، ترجمه پرویز صداقت